

دکتر خلیل حدیدی\*

## نظری کوتاه بر پیام آیهی ۵۶ سوره مبارکه‌ی احزاب

### چکیده

موضوع مورد بحث در این مقاله نکات جالب «آیهی ۵۶ سوره احزاب» است؛ یعنی سعی بر این بوده است که نکات قابل توجه موجود در این آیهی شریف، مجمل و مبتنی بر آرای مذکور در تفاسیر روشن شود. نخست نظر قرآن و انعکاس آن در تفاسیر، در باب رفقت منزلت و عظمت رسول اکرم (ص)، در پیشگاه خدا، به اختصار ذکر شده، سپس موضوع قابل توجه تداوم درود و سلام پروردگار سبحان بر روان گرامیش مطرح شده است و کیفیت درود و سلام خدا، فرشتگان و مؤمنان بر روان آن بزرگوار، مطابق نظریات مفسران بزرگ به دنبال آنها آمده است و گفته‌ایم که لازم است همراه نام پیامبر و اهل بیت مکرّمش، درود و سلام باشد. آن گاه زمان و مکان

---

\* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

نثار صلوات و نتایج حسنه‌ی آن بر تن و روان درودگویان مذکور افتاده است. در خاتمه هدف غایی دستور خدای سبحان در آیه‌ی مذکور نوشته شده است.

### مقدمه:

سخن گفتن از کسی که عظمت افلاکی او در عالم امکان نمی‌گنجد، بسیار مشکل است اما این نکته مسلم است که شناختن چهره‌های درخشان و اسوه‌های مکتب متعالی و انسان‌ساز اسلام حداقل، بر هر فرد مسلمان دردمندی لازم و ضروری است؛ بنابراین به حکم این که خداوند سبحان بر هیچ انسانی تکلیف "مالایطاق" نمی‌کند، بر ما فرض است که به اندازه‌ی استعدادمان در مسیر شناخت این الگوهای تمام عیار بشریت گام برداریم.

در اینجا شمه‌ای از انعکاس عظمت رسول خدا(ص) در یکی از آیات قرآن ذکر خواهد شد زیرا اولین منبع متقنی که درباره‌ی شناخت وجود مقدس رسول اکرم(ص) پیش روی ماست، قرآن کریم است و به حق باید گفت که اگر جلوه‌های شخصیت رسول اکرم(ص) در قرآن کاملاً بررسی شود، نکات شگفت‌انگیزی توجه خردمندان راستین عالم را به خود جلب خواهد کرد.

\*\*\*\*\*

البته مقام و منزلت وجود مقدس حضرت رسول اکرم(ص) در قرآن به گونه‌ای وصف شده که حد و حصری ندارد و بیان و قلم از تفسیر و تشریح آن عاجز و ناتوان است. در این مقاله یکی از آیات قرآن کریم که روشنگر عظمت الهی و انسانی آن وجود شریف است، به اجمال و بر مبنای چند تفسیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**- جلوه‌ای از مقام و منزلت حضرت رسول اکرم (ص) در آیه فوق‌الذکر:**  
 خداوند سبحان در آیه ۵۶ سوره احزاب می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» صاحب مجمع‌البیان در باب وسعت عظمت رسول گرامی اسلام (ص) بر مبنای آیه فوق می‌فرماید: «لَمَّا صَدَّرَ سَبْحَانَ هَذِهِ السُّورَةِ بِذِكْرِ النَّبِيِّ (ص) وَقَرَّرَ فِي إِثْنَاءِ السُّورَةِ ذِكْرَ تَعْظِيمِهِ خَتَمَ ذَلِكَ بِالتَّعْظِيمِ الَّذِي لَيْسَ يِقَارِبُهُ تَعْظِيمٌ وَلَا يَدَانِيهِ»، فقال: «إِنَّ اللَّهَ...» که پروردگار سبحان این سوره را با نام مقدس حضرت رول اکرم (ص) مُصدِّر فرموده، در اثنای سوره بزرگواری و عظمت آن وجود شریف را بیان می‌فرماید و این موضوع را (بیان عظمت حضرت رسول (ص)) با تعظیم و بزرگداشتی به پایان می‌رساند که هیچ مجد و تعظیم و بزرگداشتی نمی‌تواند با آن برابری کند.

تجلیل و تعظیمی که در آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب از حضرت پیامبر اسلام (ص) صورت گرفته چنان است که هر فرد آشنا به ادب عربی و فرهنگ غنی اسلامی را به حیرت وامی‌دارد و به تعبیر بوصیری: "در اینجا پروردگار سبحان و فرشتگان مُقَرَّب درگاه او . مؤمنان مؤید، درود فرستنده به وجود مبارک و شریف حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) هستند و این خود در ذهن انسان مُنصف معنایی عظیم و قابل تأمل را متبادر می‌سازد و آن این که وجود مُقدَّس آن حضرت دارای چه میزان عظمت و وجاهتی است که خداوند سبحان ذات مقدس‌اش را ثناگوی حضرتش مُعرَفی کرده است؛

فخر رازی در تفسیر کبیر ذیل آیه‌ی ۵۶ سوره مبارکه احزاب درباره مقام و منزلت حضرت پیامبر اکرم (ص) می‌نویسد: "آن بزرگوار در ملاء اعلیٰ محترم است زیرا که خداوند سبحان و فرشتگان مُقَرَّب درگاهش بر آن جناب

درود می‌فرستند. "اما اگر درباره‌ی پایگاه معنوی آن بزرگوار در میان انسانها اظهار نظر کنیم باید بگوییم که آن برگزیده‌ی خداوند سبحان واجب الاحترام است و این موضوع از بیان پروردگار متعال مستنبط است که با طرح صیغهی امر می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و در پیشگاهش با تمام وجود سر تسلیم فرود آورید."<sup>۱</sup>

### - تداوم درود و سلام خدا بر حضرت رسول اکرم(ص):

نکته‌ی دیگر آن است که این سلام و درود منقطع نیست بلکه لطف الهی الی الابد شامل حال آن بزرگوار شده است چرا که برای بیان این موضوع (اعلام درود و سلام خداوند سبحان بر رسول مکرم اسلام(ص)) از فعل مضارع (يُصَلُّونَ) بهره جسته است و فعل مضارع بیانگر دوام و جاودانگی است، یعنی سلام و درود و تجلیل خداوند منان جاودانه می‌باشد و هر دم روان پاک و وجود مقدّسش از عنایات بی‌کران الهی برخوردار است؛ و چه زیبا گفته است فرزددق در قصیده‌ی میمیّه خود در مدح امام سجّاد (ع) و در خطاب به «هشام بن عبدالملک» آنجا که وجود شریف امام (ع) را پسر پیغمبر(ص) معرفی کرده و به دنبال آن عظمت‌هایی را از پدر بزرگوارش (حضرت پیامبر(ص)) بیان نموده است:

... «هَذَا الَّذِي أَحْمَدُ الْمُخْتَارَ وَالِدَهُ صَلَّى عَلَيْهِ الْهَيَّ مَا جَرَى الْقَلَمُ»  
 «لَوْ يَعْلَمُ الرُّكْنَ مَنْ قَدْ جَاءَ يَلْتَمُهُ لَخَرَّ يَلْتَمُ مِنْهُ مَا وَطِئَ الْقَدَمُ»  
 «هَذَا عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ وَالِدَهُ أَمْسَتْ بِنُورِ هُدَاةٍ تَهْتَدِي الْأُمَمُ»<sup>۲</sup>

...

«این شخصیت بزرگوار کسی است که احمد مختار آن پیامبر برگزیده الهی-نبی اکرم(ص)- پدر اوست، آن پیامبر عظیم‌الشانی که خداوند سبحان تا

زمانی که قلمش در جریان است سلام و درود خود را شامل حال ایشان گردانیده است» یعنی به طور جاودانه والی الابد صلوات خود را شامل و نثار وجود شریف حضرتش کرده است.

بنابراین نکته‌ای که می‌توان دریافت و بر زبان راند این است که: ای اولی‌الالباب! در باب این عظمت تأمل بسیار کرده و اندیشه کنید و با همین تأمل و تفکر است که مرحوم محمّدبوصیری از شعرای قرن هفتم دیار مصر در قصیده برده‌ی خود طی زمزمه‌ای می‌گوید:

«مُنَزَّهُ عَن شَرِيكٍ فِي مَحَاسِنِهِ

فَجَوْهَرِ الْحُسْنِ فِيهِ غَيْرِ مَنْقَسِمٍ»

«دَعَّ مَا آدَعَتْهُ النَّصَارَى فِي نَبِيِّهِمْ

وَ أَحْكَمَ بِمَا شِئْتَ فِيهِ وَ أَحْتَكَمَ»

«فَأَنْشَبَ إِلَى ذَاتِهِ مَا شِئْتَ مِنْ شَرَفٍ

وَ أَنْشَبَ إِلَى قَدْرِهِ مَا شِئْتَ مِنْ عِظَمٍ»

فَإِنَّ فَضْلَ رَسُولِ اللَّهِ لَيْسَ لَهُ

حَدٌّ فَيُغْرِبُ عَنْهُ نَاطِقٌ بِقَمٍّ»

أَعْيَا الْوَرَى فَهُمْ مَعْنَاهُ فَلَيْسَ يُرَى

لِلْقُرْبِ وَ الْبُعْدِ مِنْهُ غَيْرِ مَنْفَحَمٍ»

- آن رسول گرامی در کمالات خود شریکی ندارد، پس جوهر حسن و کمال - در مرحله مخلوق بودن - در وجود او تمام عیار است.

- آن را که مسیحیان درباره پیامبرشان ادعا کرده‌اند (مقام الوهیت را) رهاکن و غیر از این مرحله، هر کمالی را که دلت بخواهد برای وجود شریفش مسلم بدان.

- آری هر نوع شرف و عزتی و هرگونه قدر و منزلتی را غیر از مرحله خدایی، به آن جناب منسوب بدان.

- زیرا فضل و عظمت رسول خدا(ص) حدّ و مرز معینی ندارد که گوینده‌ای و یا وصف کننده‌ای بتواند با یک وصف و تمجید مشخصی، آن را آشکار کند.

- پس باید بگویم فهم و درک معنای واقعی وجود آن حضرت(ص) تمام توجه کنندگان به این مقام شامخ را عاجز و ناتوان گردانیده است.

لذا کلیّه کسانی که برای معرفی شخصیت نبی اکرم(ص) مصمم شده‌اند، با دیدن عظمت بی‌کران او خاموشی را برگزیده‌اند.

### - کیفیت صلوات:

الف: معنای صلوات خدا و فرشتگان و مؤمنان بر رسول گرامی

اسلام(ص):

علّامه‌ی طباطبایی(ره) در تفسیرالمیزان از امام هادی - علیه‌السلام -

نقل می‌کند: «قلت: ما معنى صلاة الله وملائكته وصلاة المؤمن؟ قال: صلاة الله

رحمة من الله وصلاة الملائكة تزكية منهم له، وصلاة المؤمنین دعاء منهم له.»<sup>۳</sup>

راوی از امام - علیه‌السلام - سؤال می‌کند که: «معنای صلوات و درود

خداوند سبحان و فرشتگان و مؤمنان چگونه است؟»

می‌فرماید: «صلوات الهی همان رحمت الهی است که هر دم بر آن

حضرت فرود می‌آید و صلاة ملائکه تزکیه و پاک ساختن حضرت رسول(ص)

است از سوی فرشتگان، و صلوات مؤمنان دعا و درخواست از پروردگار سبحان

است که سلام و درود خود را شامل وجود مبارک آن حضرت بگرداند.»

شیخ طوسی (ره) در این باره می‌نویسد: «و صلاة الله - تعالی - هو ما فعله به من کراماته و تفضيله و اعلاء درجاته و رفع منازلہ و ثنائه علیه و غیر ذلک من انواع اکرامه، و صلاة الملائكة علیه مسألتهُم الله - تعالی - ان يفعل به مثل ذلک»<sup>۴</sup>

معنی سلام و درود پروردگار سبحان به وجود شریف حضرت نبی اکرم (ص) عبارت است از:

- ۱- شمول تمام عبار عنایتها، کرامتها و الطاف الهی بر آن وجود مقدس؛
  - ۲- تفضیل و برتری آن حضرت بر عالمیان؛
  - ۳- بالا بردن مقام و منزلت آن بزرگوار تا قرب الهی؛
  - ۴- شامل گردانیدن برکات ثنا و درود بر ایشان و اعطای تمام عظمت‌های الهی؛
- سلم و درود فرشتگان نیز آن است که از خداوند سبحان درخواست می‌کنند که همان عظمت‌ها و کرامت را شامل حال آن حضرت (رسول گرامی اسلام (ص)) بگرداند. مرحوم طبرسی نیز در تفسیر جوامع الجامع<sup>۵</sup> تقریباً عین معنای فوق را درباره معنی کلمه صلاة ذکر می‌کند. در جلد چهارم تفسیر نورالثقلین<sup>۶</sup> نیز حدیثی قریب به مضمون نکات مزبور وارد شده است.

### کیفیت صلوات مؤمنین بر رسول خدا (ص):

در تفسیر تبیان در باب کیفیت صلوات و درود فرستادن مؤمنان بر رسول اکرم (ص) می‌نویسد: «و هُوَ أَنْ يَقُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ...»<sup>۷</sup> یعنی معنای «صلوا» این است که ای مؤمنان بر محمد (ص) و خاندانش درود فرستید. همین تعبیر در تفاسیر المیزان<sup>۸</sup>، جوامع الجامع<sup>۹</sup>، تفسیر کبیر<sup>۱۰</sup> و تفسیر مجمع البیان به همان ترتیب فوق آمده است.

### صلوات بر رسول (ص) با درود بر آل او همراه است:

همان طور که از اقوال و احادیث مربوط به کیفیت سلام و درود مؤمنان بر رسول خدا (ص) برمی آید، لازم است که صلوات بر رسول (ص) همراه صلوات بر آل او باشد.

مفسر بزرگوار علامه‌ی طباطبای (ره) در باب اشتراک خاندان رسول (ص) با آن بزرگوار حدیثی از تفسیر «ذُرِّ الْمُنْتَوَرِ» نقل کرده، می‌فرماید: «اقول: وقد اورد ثمانی عشرة حدیثا غیر هذه الزوایة تدل علی تشزیک آل التبی معه فی الصلاة روتها اصحاب السنن و الجوامع عن عدة من الصحابة منهم ابن عباس و طلحة و ابوسعید خدری و ابوهریره و ابومسعود الانصاری و بریده و ابن مسعود و کمب بن عجرة و علی - علیه السلام - اما روایات السبعة فهی فوق حد الاحصاء.»<sup>۱۱</sup>

علامه می‌فرماید: غیر از این روایت در میان احادیث اهل سنت هجده حدیث وارد شده است که دلالت بر همراهی خاندان رسول (ص) در صلوات با آن جناب است که آنها را صاحبان کتب اصیل حدیث از عده‌ای از صحابه و علی - علیه السلام - نقل کرده‌اند....

البته پس از ذکر این نکته از منابع و متون اهل سنت، می‌فرماید: «انعکاس این نکته در روایات شیعه به لحاظ کثرت آنها قابل شمارش نیست.»<sup>۱۲</sup>

### زمان و مکان نثار صلوات:

آن چه از محتوای آیه‌ی شریفه درباره‌ی زمان و مکان نثار صلوات مستفاد می‌شود، این است که این موضوع هم مانند ذکر خدا مربوط به زمان و



مکان معینی نیست. زیرا که جملهٔ اول از آیهی شریفه، صلوات خدا و فرشتگان را بر ذات پاک آن حضرت به طور دائمی مطرح می‌فرماید و چون صلوات مؤمنان در جملهٔ دوم همان آیه و به تبع جملهٔ اول مطرح می‌شود، لازم می‌آید که محدودیت نداشته باشد. به همین علت است که محمد بن محمد عماری در اثر خود معروف به «تفسیر ابی السعود» ذیل آیهٔ فوق می‌نویسد: «والآیه دلیل علی وجوب الصلاة والسلام علیه مطلقاً من غیر تعرض لوجوب التکرار و عدمه.»<sup>۱۳</sup> (متن آیهٔ شریفه بیانگر وجوب سلام و درود به طور مطلق است، بدون این که به تکرار و عدم تکرار سلام و درود متعرض شود.)

آن چه از دستورات ائمه اطهار -علیهم السلام- و بیانات مفسران عظام بر می‌آید، این است که نثار صلوات در هر جایی که اسم مبارک نبی اکرم (ص) جاری شود و یا آیهی شریفه‌ی مورد بحث، تلاوت گردد، واجب است.

تفسیر شُبر در ذیل جمله‌ی (یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه) می‌نویسد: «و مفادها وجوب الصلاة و السلام علیه فی الجملة.» (یعنی مفهوم آیه بیانگر وجوب سلام و درود بر نبی اکرم (ص) است در هر زمانی که نام مقدسش ذکر شود) و علی -علیه السلام- می‌فرماید: «هرگاه نام مبارک محمد (ص) جاری و یا آیهی شریفه‌ی «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ...» تلاوت شد حتی در حال نماز هم باشید صلوات بفرستید»<sup>۱۴</sup>

در تفسیر نورالثقلین روایتی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که آن جناب در خطاب به زراره فرمود:

«وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ (ص) كَلَّمَا ذَكَرْتَهُ أَوْ ذَكَرَهُ ذَاكِرٌ عِنْدَكَ فِي إِذَانٍ أَوْ غَيْرِهِ»<sup>۱۵</sup> (بر پیامبر اکرم (ص) درود بفرست در هر زمانی که خودت آن جناب را بر زبان جاری می‌سازی یا فرد دیگری آن بزرگوار را در حضور تو یاد می‌کند که

ممکن است در اذان و یا در غیر اذان باشد.

در همین مورد نثار صلوات بر رسول (ص) در آن هنگامی که نام مقدّسش جاری شود، صاحب تفسیر ابی السّعود بیان لطیفی دارد، آنجا که می‌فرماید: «مقتضای احتیاط در این مورد آن است که فرد مؤمن بلافاصله با جاری شدن نام شریفش صلوات بفرستد.»<sup>۱۶</sup>

### آثار و نتایج مختلف صلوات بر جسم و جان مؤمن

الف - صلوات، هادم ذنوب است.

تفسیر ابی السّعود از رسول اکرم (ص) روایت می‌کند که آن بزرگوار فرمود: «خداوند متعال دو فرشته را به خاطر من مأمور کرده است هرگاه در نزد مسلمی اسم من جاری شود و آن فرد مسلم برای من درود بفرستد، آن دو فرشته گویند: خداوند متعال گناهان ترا ببخشد و به دنبال آن، خداوند سبحان و کلیّۀ فرشتگان درگاه ذوالجلال در جواب آن دو فرشته می‌گویند: دعایان مستجاب باد...»<sup>۱۷</sup>

آن چه از محتوای حدیث شریف مستفاد می‌شود، این است که نه تنها دعای مؤمن در ایراد صلوات قطعاً مورد پذیرش پروردگار سبحان است، بلکه بالاترین پاداش یعنی غفران الهی نیز شامل حال آن ایرادکننده صلوات است که با خلوص نیت و صدق دل، خود را به دریای بی‌کران سلام و درود پروردگار متصل کرده است. پس نثار صلوات خالصانه بر پیشگاه با عظمت تبی اکرم (ص) بالاترین نیرو و قدرت را برای نابود ساختن گناهان انسان دارد و اگر گفته شود صلوات صمیمانه هادم ذنوب است، سخنی به گزاف بیان نشده است. حدیث شریف زیر را از امام رضا (ع) در این باب به عنوان نمونه می‌آوریم: «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ

عَلَىٰ مَا يُكْفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيَكْفِرْهُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَىٰ مُخْتَمِدٍ وَ آيَةٍ فَإِنَّهَا تَهْدِيهِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا»<sup>۱۸</sup> (هر کس که نتواند عمل صالحی را انجام دهد که به واسطه آن عمل صالح، گناهانش را زایل کند، لازم است سلام و درود خود را به ساحت مقدس نبی اکرم (ص) و خاندان پاک او زیاد بگرداند. زیرا که مسلماً صلوات و درود، گناهان آن بنده گنهکار را نابود می‌کند.) به عبارت دیگر، صلوات - اگر از دل پاک برخیزد - نوعی آماده سازی روح است برای انجام اعمال صالح، و اعمال صالح و شایسته، انسان را برای دریافت لطف و رحمت الهی لایق می‌گرداند و او را در مسیر رسیدن به بهشت قرار می‌دهد و شاید به همین علت است که امام علی (ع) می‌فرمایند: «ای مؤمنین به واسطه گواهی دادن به وحدانیت پروردگار سبحان و رسالت نبی اکرم (ص)، داخل بهشت می‌شوید و به وسیله نثار سلام و درود به ساحت مقدس نبوی (ص) و ائمه اطهار - علیهم السلام - مشمول رحمت و اسعه‌ی الهی می‌گردید، پس بر شما توصیه می‌کنم که سلام و درود خودتان را بر پیامبر (ص) و آل او - علیهم السلام - بیشتر بکنید.»<sup>۱۹</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب - صلوات بهترین وسیله پذیرش دعا علوم انسانی

یکی از بزرگترین اسباب تقرب به پیشگاه پروردگار سبحان که در گستره قرآن و سنت مورد توجه و عنایت واقع شده، امر مهم دعا است که متأسفانه به مفهوم واقعی آن عنایت چندانی نشده است. بیان مفهوم و معنای واقعی دعا و ارائه‌ی پایگاه و منزلت آن در قرآن و سنت، قطعاً یک رساله‌ی مفصل جداگانه‌ای را می‌طلبد که در اینجا مجال بحث آن نیست، اما آن چه در مهمترین راز و نیازها و دعاها جلب توجه می‌کند، این است که درخواست بالاترین اهداف و نیازها از پیشگاه پروردگار سبحان به دنبال نثار صلوات باید

باشد. در این مورد نمونه‌های زیادی وجود دارد تا آنجا که به اندازه دعاهای موجود در کتب معتبر شاهد و نمونه می‌توان یافت. در اینجا برای نمونه به ذکر چند مورد روشن اکتفا می‌شود: مسلماً دعایی که در قنوت نماز عیدین (عید فطر و عید اضحی) خوانده می‌شود، دارای مفهوم بسیار عالی و غنی است زیرا که نمازگزار در آن دعا، بالاترین درخواست را از خدایش دارد، عرض می‌کند: «خدایا مرا به تمام خیرها و سعادت‌هایی داخل بگردان که محمد(ص) و آل محمد -علیهم السلام- را به آنها داخل گردانیدی، هم چنین مرا از تمام بدیها و زشتی‌هایی که آن بزرگواران را از آن خارج گردانیدی، خارج بگردان ...» و مسلماً با اندکی دقت دریافته می‌شود که این خواسته‌ها در رأس نیازهای یک مؤمن به خداست. حال، نکته این است که راز و نیازکننده که در دو رکعت نماز عیدین، نه بار این دعای زیبا را با خلوص تبت از خدایش می‌طلبد، این امر و این خواسته به دنبال نثار صلوات انجام می‌شود. «أستلک بحق هذا اليوم... ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تدخلني في كل خير...»

در میان دعاهای مخصوص به تعقیبات نماز صبح، نمازگزار از خدایش می‌خواهد که: «خدایا در میان این جار و جنجالها و اختلاف اندیشه‌ها و عقیده‌ها، مرا به سوی دین حق خودت هدایت بفرما.» بسیار قابل توجه است که همین دعای بظاهر کوچک - ولی در حقیقت بسیار بزرگ - پس از نثار صلوات مطرح می‌شود: «اللهم صل على محمد و آل محمد و أهدني لما اختلف فيه من الحق باذنك أنك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم.» و در دعای کوچک دیگری، نمازگزار پس از نماز در خطاب به خدایش می‌گوید: «خدایا! واجعل التور في بصري و البصيرة في ديني...»<sup>۲۰</sup>

این شش درخواست قابل توجه را وقتی از خدایش می‌طلبد که ابتدا از خدایش می‌خواهد که: «پروردگارا! «صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» پس با این مقدمه، فرمایش مولای متقیان علی(ع) پرمعنا می‌شود که می‌فرماید: «بر محمد(ص) و آل او(ع) درود بفرستید زیرا که خداوند متعال در هنگام یادکردن آن بزرگواران دعای شما را می‌پذیرد...» این حدیث را تفسیر نورالثقلین نیز آورده است. در کلام ۳۶۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «اذا كانت لك الى الله سبحانه حاجة فابدأ بمسألة الصلاة على رسوله - صلى الله عليه وآله وسلم - ثم سل حاجتك» (زمانی که نیازمند درخواست از پیشگاه پروردگار سبحان شدی درخواست خودت را با نثار صلوات آغاز کن، سپس حاجت خود را بطلب.) امام سجاد -علیه السلام- نیز در صحیفه سجادیه در آنجا که در باب نیازمندیها از خداوند سبحان درخواست می‌کند ابتدا از خداوند سبحان می‌خواهد که بر محمد(ص) و خاندان او درود بفرستد<sup>۲۱</sup>...

اگر نکات فوق با صدق تبت و بدون مرض روحی مورد توجه واقع شود، فرد بصیر و آگاه به دو نکته‌ی بسیار قابل توجه پی می‌برد:

الف- مقام و منزلت نبی اکرم(ص) و ائمه‌ی اطهار(ع) در پیشگاه پروردگار

سبحان

ب- که منت و احسان الهی بر بندگان خود بواسطه‌ی تعلیم آیهی ۵۶ سوره

احزاب

### هدف غایی دستور پروردگار سبحان در این آیه

در اینجا ممکن است سئوالی در ذهن انسان متفکر ایجاد شود که با وجود درود و سلام خدا و فرشتگان او بر رسول اکرم(ص)، چه نیازی به سلام و

درود ما هست، یعنی با وجود شمول الهی بر وجود مبارک آن جناب، سلام و درود ما چه قدر و منزلتی دارد؟

فخر رازی در تفسیر کبیر به این سؤال چنین پاسخ می‌دهد: «سلام و درود ما بر نبی اکرم (ص) از آن جهت نیست که آن بزرگوار بدان نیازمند است زیرا که به صلوات فرشتگان نیز نیازی ندارد، چون صلوات وسیع خدا شامل حال او شده است. اما موظف گردانیدن ما انسانها به صلوات فرستادن به او، به خاطر این است که مقام و منزلت رفیع آن حضرت را برای ما آشکار سازد، همان گونه که خداوند سبحان ما را موظف گردانیده است که ذات اقدسش را یاد کنیم در حالی که هیچ نیازی به ذکر ما انسانها ندارد، بلکه این کار به جهت آن است که عظمت و بزرگواری آن ذات پاک برای ما آشکار شود، از طرف دیگر این دستور از بهر لطفی است که خداوند متان می‌خواهد بدین وسیله انسان را اجر و پاداش دهد و مؤید این استدلال است فرمایش نبی اکرم (ص) که: «هر کس یک بار برای من درود بفرستد، خداوند سبحان ده بار برای او درود می‌فرستد.»<sup>۲۲</sup>

و چه زیبا و متین است بیان سید قطب در ذیل آیه‌ی شریفه که جهت اختصار، ترجمه آن استنباط مفید ذکر می‌شود: «چه قدر شگفت‌انگیز است آن جایگاه معنوی و الهی تا جایی که ثنا و درود خداوند سبحان به نبی اکرمش (ص) کلیه ابعاد عالم وجود را به جنب و جویش واداشته، و به واسطه عظمت و بزرگی این ثنا و درود، سرتاسر عالم هستی منور شده است و همه کرانه‌ها و اطراف جهان برای ذکر ثنا و درودش زبان به گفتار باز کرده است.

«البته این ثنا و درود دایمی و همیشگی در متن هستی ثابت و پایدار می‌ماند بنابراین هیچ نعمتی الهی بزرگتر از این نعمت عظیم نیست و هیچ بزرگداشتی معنوی بزرگتر از این تکریم نمی‌باشد.

«با وجود این همه عظمت و کرامت، سلام و درود بشر پس از سلام و درود خدا و فرشتگان بر وجود مقدس رسول (ص) چه معنا و مفهومی دارد، پس حال که خداوند سبحان پس از اعلام سلام و درود جاودانی خود بر رسول اکرم (ص) مؤمنین را نیز مأمور این کار کرده است. به این علت است که می‌خواهد بدین وسیله بر مؤمنان فضل و عنایت کرده و سلام و درود آنها را همراه سلام و درود خود بگرداند و بالاخره بدین وسیله از نظر مقامات معنوی انسانها را به اعلا علیین برساند.»<sup>۲۳</sup>

پس فلسفه اصلی امر پروردگار سبحان در این آیه آن است که بدین وسیله، انسان وجود ناچیز خود را به کل متصل کند و با زبان حال بگوید:

«قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا دریاست»

در خاتمه با کمال تواضع و شرمندگی این مختصر را به ساحت مقدس رکن عالم امکان، منجی بشریت از منجلاب بدبختی و ضلالت، حضرت ولی عصر، امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- تقدیم می‌کند و هر لحظه انتظار دارد با قدوم مبارکش جهان را منور بگرداند.

## پی نوشت:

- ١- تفسیر کبیر، ٢٥/٢٢٧
- ٢- مناقب ابن شهر آشوب، ٤/١٦٩
- ٣- تفسیر المیزان، ١٦/٣٤٣
- ٤- تبیان، ٨/٣٢٦
- ٥- جوامع الجامع، ٣/٣٣١
- ٦- نور الثقلین، ص ٣٠٠
- ٧- تبیان، ٨/٣٢٦
- ٨- المیزان، ١٦/٣٤٤
- ٩- جوامع الجامع، ٣/٣٣١
- ١٠- تفسیر کبیر، ٢٥/٢٢٨
- ١١- المیزان، ١٦/٣٤٤ و نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ١٢- تفسیر المیزان، جلد شانزدهم، ص ٣٤٤ انسانی
- ١٣- تفسیر ابی السعود، ٧/١١٤
- ١٤- نور الثقلین، ٤/٣٠١
- ١٥- همان، ٤/٣٠٢
- ١٦- تفسیر ابی السعود، ٧/١١٤
- ١٧- همان جا
- ١٨- مبادی العربیه، ٤/٢٥
- ١٩- نور الثقلین، ٤/٣٠٢



۲۰- مفاتیح الجنان

۲۱- المیزان، ۳۴۳/۱۶

۲۲- تفسیر کبیر، ۲۲۸/۲۵

۲۳- فی ظلال القرآن، ۶۱۰/۶



پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع:

- ۱- تبيان، شيخ الطائيفه طوسي، مجلد ۱۸، مؤسسه اعلمی، بيروت
- ۲- تفسير ابي السعود، قاضي القضاة امام ابي السعود محمد بن محمد العمادي، دارالاحياء التراث العربي، بيروت
- ۳- تفسير كبير، امام فخر رازی، چاپ دوم، دارالکتب العلميه، تهران
- ۴- تفسير الميزان، سيد محمد حسين طباطبائي، چاپ دوم، مؤسسه اعلمی، بيروت
- ۵- في ظلال القرآن، به فلم سيد قطب، چاپ هفتم، داراحياء التراث العربي، بيروت
- ۶- قرآن كريم
- ۷- مبادئ العربيه (جلد چهارم)، رشيد الشرتوني، چاپ اول، ۱۴۱۷هـ، دارالذکر (به نقل از بحار الانوار) گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۸- مناقب ابن شهر آشوب، تصحيح هاشم رسولي محلاتي، انتشارات علامه، قم.
- ۹- نور الثقلين، شيخ عبد علي بن جمعه العروسي الحويزي، تصحيح سيد هاشم رسولي محلاتي، افست علميه قم.